

ساماندهی نوین



سیدمصطفی هاشمی طبا

مشت‌های آسمان‌کوب قوی وا شدند و گونه‌گون رسوا شدند یا نهان سیلی‌زان، یا آشکار کاسه پست گدایی‌ها شدند خشمگین ما باشر‌ها زنده‌ایم حمله ددمشسانه و گستاخانه اسرائیل به ایران، باید موجب بیدارشدن خیل عظیمی از خواب‌رفتگان و عینک‌به‌چشم‌ها شده باشد، به شرط آنکه خود را به خواب نزنند؛ چراکه بیدارکردن انسان خواب‌رفته ممکن است، اما هرگز نمی‌توان آن که خود را به خواب زده است، بیدار کرد.

در دهه ۲۰ متفکرانی مانند استاد کامبوزیا خطرات اسرائیل را یادآوری کرده بودند، اما همراه با تمایل محمدرضا شاه، برخی مدعیان روشنفکری در اواخر دهه ۵۰ اسرائیل را نمونه سوسیالیسم مردمی خواندند؛ هرچند بعدها اظهار پشیمانی کردند.

در سال‌های گذشته علی‌رغم همه جنایات اسرائیل، این رژیم دامن‌ا به مظلوم‌نمایی دست زده و همه اقدامات خود را تحت عبارت «دفاع از موجودیت» توجیه کرده است و با کامل تأسف درحالی‌که در همان پرچم مصوب ۱۹۴۸ به وضوح اعلام کرده سرزمین موعود آنها از ماورای نیل تا ماورای فرات است و جوهره توسعه‌طلبی و حاکمیت خاورمیانه را علنا اعلام کرده، اما با توسل به مظلوم‌نمایی و دفاع از بقا، به بدترین و شنع‌ترین اقدامات دست زده است. تأسف‌بارتر آنکه ما هم در برخی نظرات گفته‌ایم که اسرائیل برای بقا می‌جنگد؛ درحالی‌که اسرائیل همواره برای توسعه و نیل به اهداف از پیش تعیین‌شده، خود را به یادگانی مملو از زرادخانه تبدیل کرده است و علنا با انتشار نقشه از ماورای نیل تا ماورای فرات، شامل لبنان، اردن، فلسطین، سوریه و بخش‌هایی از مصر و عراق و حتی ترکیه و نصب نقشه روی لباس سربازان و ضرب سکه با این نقشه، توسعه‌طلبی و محو کشورهای منطقه و تسلط بر آنها را اعلام کرده است.

سیاست‌های توسعه‌طلبانه این رژیم با پشتیبانی مؤثر آمریکا همراه با ضعف و خودباختگی سران کشورهای منطقه و عقد پیمان‌های همکاری (تسلیم) و حضور در برخی کشورهای منطقه، آن را هرچه بیشتر جسورتر، پرتوقع‌تر و جنانکارتار کرده است و صداالبته با تسلط بر منطقه نمی‌تواند نیرویی در مقابل خود ببیند و همچنان که ایکگ مشاهده می‌کنیم، به خاطر آسودگی خاطر، درصد رودرروشدن و تسلط بر ایرانی است که شرف، حیثیت و استقلال تاریخی خود را حفظ کرده است.

اهداف اسرائیل مشخص است؛ توسعه‌طلبی از ماورای نیل تا ماورای فرات و کوبیدن پرچم این رژیم بر سر سردر دارالحکومه آنها و دفع خطرات بالقوه اطراف آن سرزمین موعود. حال ما دو راه در پیش داریم؛ تسلیم‌شدن به منویات آنان مثل دیگر کشورهای رام و مطیع‌شده و حل‌شدن در سیستم آنها مانند کبریت بی‌خطری که از خود اراده‌ای ندارد یا حفظ استقلال و شرف ایران و ایرانیانی که می‌خواهند آزاد و مستقل زندگی کنند. گرچه ممکن است گروهی راه اول را انتخاب کنند، اما این راه همان است که «ریاب می‌گذارد، سر بر پایش بگذاریم و استخوانی بیاییم».

اما انتخاب راه دوم که خواست مردم و نظام

این است، بالطبع خطرات و لوازمی دارد که به

سادگی نمی‌توان از آن گذشت. در انتخاب راه

دوم تسامح، ساده‌انگاری، غفلت، وعده نادرست

دادن، خودبزرگ‌بینی، تسامح و شعارهای

غیرواقعی جایی ندارد. در انتخاب این راه، دو

خطر بزرگ ایران را تهدید می‌کند: نخست شرایط

اقتصادی و اجتماعی داخلی، به‌ویژه به خاطر

تحلیل محیط زیست و به خطر افتادن سرزمین

ایران از داخل یعنی خشک‌شدن و آلوده‌شدن

رودخانه‌ها، نشست دشت‌ها، سقوط تولید

کشاورزی و صنعتی، عادی‌شدن فساد، نابرابری،

تبعیض، ناکارایی، عدم اطمینان به تشکل‌های

مردمی، وجود عناصر فراقوان بیگانه توانمند

حتی شناخته‌شده در داخل، ابواباشی‌گری،

ناکارایی نهادهای خدمتی و تحلیل سازه‌های

کشور و بسیاری دیگر از امور و نیز بالابردن

هم‌زمان توقعات گروهی از مردم. مسئله دوم

خطر مرزهای نامطمئن و بالقوه خطرآفرین

است. باور کنیم که اسرائیل ایک همسایه‌ما

شده است. صرف‌نظر از توانایی‌های نظامی

تکنولوژیکی، حضور فیزیکی عناصر این رژیم

در برخی کشورهای هم‌مرز واقعا جای نگرانی

دارد. با توجه به مراتب پادشده، به قول راننده‌ها

با دست‌فرمان کنونی به مقصد نمی‌رسیم. در

این رهگذر، نیاز است به صراحت و صداقت با

مردم مسائل مطرح شود و سبک

زندگی و راهکارهای آینده‌گر طرح

شده و شرایط فعلی دچار تغییرات

اساسی و همراه با اهداف شود.

پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۴	
۱۴ محرم ۱۴۴۷	
۱۰ جولای ۲۰۲۵	
سال بیست‌ویکم	
شماره ۵۱۵۲	
۳۰ هزار تومان	
۱۲ صفحه	

گزارشی از سیاست متناقض چین در قبال ایران پس از تجاوز اسرائیل

چین رفیق نیمه‌راه؟

مهدی بازگان: در پی تجاوز نظامی ۱۲روزه اسرائیل به ایران، پرسش‌های اساسی درباره کیفیت روابط راهبردی ایران با قدرت‌های شرقی، به‌ویژه چین و روسیه، بار دیگر در کانون توجه قرار گرفته است. این درگیری که موازنه قدرت منطقه‌ای را دگرگون کرده، نیاز ایران به متحدان قابل اتکا برای حفظ تمامیت ارضی و بازسازی توان دفاعی‌اش را بیش از پیش آشکار کرده است.
باین‌حال گزارش‌های اخیر، ازجمله تکذیب سفارت چین در اسرائیل درباره انتقال سامانه‌های موشکی و دیگر جنگ‌افزرها به ایران و اظهارات متناقض مقامات چینی درباره صادرات تسلیحات، نشان‌دهنده رویکرد محتاطانه و دوپهلوی پکن در حمایت عملی از تهران است. این سیاست که مشابه رفتار روسیه در بزرگناه‌های حساس است، تردیدهایی جدی درباره عمق روابط استراتژیک با ایران ایجاد کرده است.چین، به‌رغم عضویت مشترک با ایران در سازمان‌هایی مانند بریکس

«شرق» از جزئیات آمار ۳ سامانه مشاوره روان جنگ‌زده‌ها گزارش می‌دهد

۸۰ هزار تماس با سامانه‌های مشاوره

صفحه ۱۰

یادداشت

تهران؛ پایتختی چندمرکزی

راهبردی برای بقا در عصر مخاطرات و بهره‌وری در دوران صلح



آرمان‌خواجه‌برج‌سفیدی

پژوهشگر شهرسازی و برنامه‌ریزی توسعه فضایی

نگرانی شدید عمومی همراه بود، یکی از مؤلفه‌های اصلی بازدارندگی ایران نه برتری نظامی، بلکه پیچیدگی سرزمینی و پراکندگی جغرافیایی کشور بود. در شرایطی که برتری تکنولوژیک نظامی اسرائیل به مراتب بالاتر، پیچیده‌تر و متنوع‌تر ازبازی می‌شود، ساختار پراکنده، گسترده و متنوع زیستی و کالبدی ایران مانع از تمرکزپذیری خسارات شد. موقعیت غیرمتمرکز بسیاری از مراکز مهم، ساختار پنهان و درهم‌تنیده مناطق صنعتی، امنیتی و زیربنایی، و همچنین وسعت و ناهمواری فضاهای پیرامونی، اجازه ندادند که حملات محدود بتوانند تأثیر راهبردی و قاطع بر ساختار کشور وارد کنند. این مسئله، جایگاه جغرافیا و آمایش سرزمینی را در بازدارندگی نوین هم‌سطح با فناوری نظامی قرار می‌دهد. این تجربه نشان داد که ساختار فضایی، در کنار قدرت نرم و اراده ملی، ابزار اصلی بقا و دفاع غیرعامل در جنگ‌های آینده است. منطقه شهری تهران، به‌عنوان یکی از گره‌های راهبردی کشور و با تمرکز ۲۵ درصد تولید ناخالص ملی، باید با نگاه فضایی بازدارنده و درعین‌حال کارا از نظر اقتصادی بازآرایی شود. توسعه شبکه‌ای شهرهای پیرامونی، می‌تواند نه‌تنها ابزار تخلیه و توزیع جمعیت، بلکه بخشی از معادله بازدارندگی آینده و افزایش بهره‌وری عملکردی-فضایی را از وضعیت صرف جغرافیایی در یک چارچوب مطلوب سازمان‌دهی فضایی مطلوب از نظر معادلات اقتصاد فضا قرار دهد. توسعه فضایی مبتنی بر الگوی خوشه‌ای-شبکه‌ای؛ فراتر از توسعه شعاعی یا سلسله‌مراتبی برنامه‌ریزی سنتی که عمدتاً بر توسعه شعاعی از مرکز استوار است، توسعه مؤثر و تاب‌آور نیازمند الگویی حلقه‌ای-شبکه‌ای است که می‌تواند مبتنی بر اقدامات عملی مکمل و هم‌افزای زیر باشد: ایجاد حلقه‌های حمل‌ونقل عرضی بین شهرها برای تخلیه متوازن و جلوگیری از گلوگاه در ورودی‌های تهران و ایجاد کره در فواصل متفاوت از کریدورهای منتهی به مرکز؛ استقرار مراکز عملکردی مکمل (درمان، پشتیبانی، آموزش، لجستیک) در شهرهای پیرامونی به نسبت ظرفیت و ظرفیذری؛ مکان‌یابی مراکز حساس نظیر انبارهای استراتژیک، مراکز تصمیم‌گیری ثانویه و ذخایر انرژی در لایه‌های بیرونی با کریدور سبز اکولوژیک در درون حلقه‌های ارتباطی و توسعه کریدورهای سبز بین شهر اصلی و شهرهای پیرامونی؛ افزایش ۳۰درصدی ظرفیت سکونت برنامه‌ریزی‌شده در مقایسه با جمعیت فعلی در شهرهای حومه، برای جذب جمعیت در شرایط اضطرار و توزیع متعادل و تخصصی خدمات فراشهری و شهری در مقیاس منطقه شهری چندمرکزی. تحلیل اقتصادی-زیست‌محیطی راهبرد توسعه منطقه شهری مبتنی بر توزیع تخصصی عملکردها و



این گفت‌وگورا در صفحه ۱۲ بخوانید.عکس: امیر چندی



گزارشی از دیدار عباس عراقچی با مقامات ارشد عربستان سعودی در جد

دیپلماسی در وقت اضافه

برگزیده‌ها

جدال سرد واشنگتن و مسکو بر سر اوکراین

پایان عاشقانه ترامپ - پوتین؟

چهار فعال حوزه آسیب‌های اجتماعی در میزگرد «شرق»، از نگاه امنیتی به کودکان کار می‌گویند

کودکان سر چهارراه‌ها کجا رفته‌اند؟

«شرق» از باغی‌گری‌های فرامنطقه‌ای اسرائیل و احتمال وقوع جنگ‌های فرامریز گزارش می‌دهد

جنگ بدون مرز

اوجالان؛ مبارزه مسلحانه به تاریخ پیوست

پایان یک فصل خونین

مذاکره زنوزی و درویش برای حکم صادر نشده بیرانوند

نگاه

ضرورت تداوم دیپلماسی فعال

یادداشتی از محمدحسین عمادی

یادداشت

قوانین شهری چه فایده‌ای دارند؟



ترانه‌یلدا

معمار و شهرساز

سه‌شنبه شب هفته گذشته همه شهرسازان تهران داشتیم از تعجب شاخ درمی‌آوردیم! آقای زاکانی، شهردار تهران، و ظاهراً معاون شهرسازی ایشان در جلسه شورای شهرداران ۲۲ منطقه کلان‌شهر تهران، به اتفاق چند نفر دیگر از مسئولان شهرداری، به این نتیجه رسیده بودند که برای تسهیل اداره امور ساخت‌وساز در محدوده کلان‌شهر تهران در وضعیت جنگی یا آمادہ‌باش جنگی، مجوزهای ساخت را طوری صادر کنند تا دیگر مشکلی بر سر راه ساخت‌وساز به میل شهروندان عزیز یا در اصل توسعه‌گران بخش ساختمان، در شهر وجود نداشته باشد. این‌در حالی بود که ما شهرسازان از آقایان توقع داشتیم در چنین جلسه‌ای درباره تسهیل امور مردم در ناهنجست‌در پناهگاه‌های مناسب، مراجع آواربرداری، چگونگی عکس‌العمل‌های مناسب به هنگام آتش‌سوزی‌های ناشی از بمباران‌ها، راه‌های تخلیه مناطق آسیب‌دیده، اسکان موقت، سلامت شبکه‌های آب و برق و تجدیدنظر آشکار در ضوابط و مقرراتی که از مناطق شهری تهران و از این قبیل بودند، صحبت از جرح و تعدیل یک‌شنبه گاز در مناطق شهری کشیدند، اما ما دیگر نه فراموش می‌کنیم و نه اعتماد! وقتی از دل رده‌های بالای شهرداری چنین بخش‌نامه عجیب‌وغریبی بیرون آمده باشد، چه امیدی باید به رده‌های پایین و محتاج‌تر داشت؟

^[1] ادامه‌در صفحه ۱۱

^[2] ادامه‌در صفحه ۱۱